اخبار

دومین قاضی فدرال طاق نصرت جنجالی ترامپ را متوقف کرد



ترامپ که پس از بازگشت به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵ کارزار بازطراحی واشنگتن را آغاز کرده، گفته است این سازه به یک «مجتمع نظامی درجه‌یک» تبدیل خواهد شد.

به گزارش یورونیوز، لئونی برینکِما، دومین قاضی دادگاه فدرال آمریکا نیز روز جمعه اعلام کرد که تصمیم گرفته است قرار منع موقت اولیه‌ای صادر کند که به طور موقت روند ساخت این پروژه، یعنی یک طاق یادبود با ارتفاع ۲۵۰ فوت که از «طاق نصرت» پاریس الهام گرفته است، را متوقف می‌کند. این تصمیم پس از آن گرفته شد که قاضی همکار او، تانیا چاتکان، نیز به طور موقت جلوی آغاز این پروژه را گرفته بود. منتقدان ساخت این طاق در مجاورت گورستان ملی آرلینگتون، محل دفن صدها هزار کهنه‌سرباز آمریکایی، را زیر سؤال می‌برند و می‌گویند این سازه دید این محوطه را مسدود خواهد کرد. سازمان «دموکراسی فوروارد» که در این پرونده نمایندگی هیئت مدیره شهرستان آرلینگتون را بر عهده دارد، از رأی برینکِما استقبال کرده است. کیت تالمور، وکیل ارشد دموکراسی فوروارد، در بیانیه‌ای که روز جمعه منتشر شد گفت: «خوشحالیم که دادگاه آسیبی را که به ساکنان و شاغلان آرلینگتون وارد خواهد شد، جبران‌ناپذیر تشخیص داده و این پروژه عظیم خودنمایانه را تا زمانی که پرونده ما در دادگاه رسیدگی و بررسی شود، متوقف کرده است. ما مفتخریم که با هیئت مدیره شهرستان آرلینگتون همکاری می‌کنیم تا جلوی به خطر افتادن ایمنی عمومی با ساخت این طاق پیشنهادی را بگیریم.»

کمیسیون برنامه‌ریزی پایتخت ملی اوایل همین ماه به این پروژه رأی موافق داده بود. ترامپ که پس از بازگشت به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵ کارزاری برای بازطراحی واشنگتن به راه انداخته، گفته است این سازه به «یک مجموعه نظامی درجه‌یک» تبدیل خواهد شد. او سپتامبر گذشته در پیامی در حساب کاربری خود در شبکه تروث سوشال نوشت: «موافقت کرده‌ام که طاق پیروزی باشکوهی را که سال‌ها پیش، از دوران جنگ داخلی، در محوطه ریسپتیو سیرکل در مجاورت پل یادبود آرلینگتون برنامه‌ریزی شده بود، به یک مجموعه نظامی درجه‌یک/طاق نصرت تبدیل کنم.»

او افزود که این طاق نصرت می‌تواند برای «استقرار و نگهداری شمار زیادی پهپاد و فراهم کردن امکان به‌کارگیری سریع آن‌ها» مورد استفاده قرار گیرد. به گفته او، همچنین قرار است در بخش‌های پشت‌بام و محوطه اطراف طاق، تک‌تیراندازها مستقر شوند و مقادیر زیادی مهمات مخصوص تک‌تیراندازها نیز در آنجا ذخیره شود.

اعلام موجودیت گروه مسلح جدید در عراق

یک گروه مسلح جدید با نام «عصائب الجهاد» از اعلام موجودیت خود در چارچوب آنچه «جبهه مقاومت اسلامی در عراق» خوانده می‌شود، خبر داد و هم‌زمان با نمایش یک پهپاد انتحاری، گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و مسلح عراقی را به دلیل آنچه کنار گذاشتن جبهه مقاومت در ازای دستیابی به مناصب و منافع مالی خواند، تهدید کرد.

به گزارش ایلنا به نقل از ارم‌نیوز، این گروه در ویدئویی که شامگاه جمعه منتشر شد، اعلام کرد تشکیل آن در پی عقب‌نشینی برخی جریان‌ها و گروه‌های شیعه از جبهه مقاومت صورت گرفته است؛ گروه‌هایی که به ادعای این تشکیلات، مسیر فعالیت سیاسی و کسب منافع مالی را در پیش گرفته و از جبهه مقاومت فاصله گرفته‌اند.

این گروه تازه‌تأسیس تأکید کرد که جریان‌های یادشده در فهرست اهداف حملات آینده آن قرار خواهند داشت.

«عصائب الجهاد» در نخستین حضور تصویری خود، اطلاعاتی درباره هویت رهبران یا محل استقرار مقر اصلی‌اش ارائه نکرد، اما مدعی شد مقادیر زیادی سلاح و مهمات در اختیار دارد. این گروه همچنین تصاویری از یک پهپاد مجهز به مواد منفجره منتشر کرد و مدعی شد این پهپاد برای اجرای حملات آماده شده است؛ با این حال، اطلاعات مستقلی درباره توان نظامی و میزان حضور میدانی این تشکیلات منتشر نشده است.

اعلام موجودیت این گروه در شرایطی صورت می‌گیرد که موضوع انحصار سلاح در دست دولت به یکی از مهم‌ترین محورهای بحث‌های امنیتی و سیاسی عراق تبدیل شده است. علی الزیدی، نخست‌وزیر این کشور، نیز این موضوع را در صدر برنامه‌های دولت خود قرار داده و بر تلاش برای ساماندهی وضعیت امنیتی و تقویت اقتدار نهادهای رسمی تأکید کرده است.

«ابتکار» از نشست تخصصی سیاست خارجی ایران در دوران جنگ و پساجنگ گزارش می‌دهد

سیاست خارجی ایران در آزمون پساجنگ

در حالی که کشورمان در شرایط ویژه‌ای از تحولات سیاسی و امنیتی قرار دارد و پیامدهای جنگ اخیر، ضرورت بازنگری در برخی معادلات سیاست خارجی را بیش از گذشته آشکار کرده، پرسش درباره چگونگی مواجهه ایران با نظم در حال تغییر بین‌المللی اهمیت تازه‌ای یافته است. در واقع تحولات پرشتاب خاورمیانه، تشدید رقابت قدرت‌های بزرگ، تغییر موازنه‌های امنیتی و ابهام درباره آینده مناسبات تهران و واشنگتن، سیاست خارجی ایران را با مجموعه‌ای از فرصت‌ها و چالش‌های پیچیده روبه‌رو کرده است. در چنین شرایطی، مسئله فقط به مدیریت پیامدهای جنگ مرتبط نمی‌شود و چگونگی تبدیل تجربه‌های حاصل از دو جنگ اخیر به راهبردی منسجم برای حفظ امنیت ملی، تقویت بازدارندگی و بهره‌گیری مؤثر از ظرفیت‌های دیپلماتیک از جمله موارد مهم و بنیادین محسوب می‌شود.



معاون وزیر امور خارجه به ضعف توازن رسانه‌ای در بازتاب مواضع ایران اشاره کرد و تقویت‌ظرفیت روایت‌سازی و ارتباطات بین‌المللی‌را از ضرورت‌های سیاست خارجی کشور دانست

در همین راستا، نشست تخصصی «سیاست خارجی ایران در دوران جنگ و پساجنگ» به همت دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، مرکز مطالعات چین دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه برگزار شد.

در این نشست، سعید خطیب‌زاده معاون وزیر امور خارجه و رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه به‌عنوان سخنران مدعو حضور داشت و کیهان برزگر رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علوم و تحقیقات و معاون سیاسی و بین‌المللی مرکز مطالعات چین دانشگاه آزاد اسلامی با طرح پرسش‌هایی درباره تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، ابعاد مختلف موضوع را به بحث گذاشت.

محور اصلی این نشست، بررسی تأثیر جنگ اخیر بر محاسبات راهبردی ایران و الزامات سیاست خارجی در دوران پساجنگ بود. از ارزیابی نتایج جنگ و ضرورت بازتعریف بازدارندگی گرفته تا آینده روابط با کشورهای عربی خلیج فارس، جایگاه چین و روسیه، احتمال تکرار درگیری با آمریکا و نقش میانجی‌های منطقه‌ای، مجموعه‌ای از مسائل بنیادین در این نشست مورد بررسی قرار گرفت؛ مباحثی که نشان می‌دهد سیاست خارجی ایران در مرحله کنونی، بیش از هر زمان دیگری نیازمند پیوند میان واقع‌بینی راهبردی، آمادگی دفاعی و ابتکار عمل دیپلماتیک است.

پیوند دانشگاه و دستگاه دیپلماسی باید تقویت شود

در ابتدای این نشست، کیهان برزگر با تأکید بر ضرورت گسترش تعامل میان دانشگاه و دستگاه دیپلماسی، برگزاری نشست‌های مشترک را فرصتی برای نزدیک‌کردن مباحث نظری روابط بین‌الملل به واقعیت‌های سیاست خارجی دانست.

این استاد تمام روابط بین‌الملل با اشاره به اهمیت حضور مسئولان وزارت امور خارجه در محیط‌های دانشگاهی اظهار کرد که چنین برنامه‌هایی از یک‌سو امکان آشنایی مستقیم دانشجویان و استادان با ملاحظات و روندهای تصمیم‌گیری در سیاست خارجی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، زمینه انتقال دیدگاه‌ها و دغدغه‌های جامعه علمی به مسئولان دیپلماسی و کشور را به وجود می‌آورد. وی همچنین خواستار توسعه همکاری‌های علمی و پژوهشی میان دانشگاه علوم و تحقیقات و مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه شد و ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی، اسنادی و کتابخانه‌ای این مرکز را فرصتی برای تقویت ارتباط میان دانش نظری و تجربه عملی سیاست خارجی ارزیابی کرد.

خطیب‌زاده: ایران در مقطع تغییر نظم جهانی قرار دارد

در ادامه نشست، سعید خطیب‌زاده با گرامیداشت یاد رهبر شهید و دیگر شهدای جنگ، به بررسی جایگاه ایران در تحولات نظام بین‌الملل پرداخت و تأکید کرد که کشور در یکی از مقاطع مهم تغییر ساختار قدرت جهانی قرار گرفته است. وی با اشاره به تجربه تاریخی ایران در جنگ‌های جهانی اول و دوم توضیح داد که اعلام بی‌طرفی در آن دوران نتوانست مانع ورود قدرت‌های خارجی به خاک ایران و نقض حاکمیت ملی کشور شود. به اعتقاد او، تجربه تاریخی نشان می‌دهد که در دوره‌های گذار نظم بین‌المللی، اتکا به بی‌طرفی سنتی لزوماً تضمین‌کننده امنیت کشورها نیست.

معاون وزیر امور خارجه با بیان اینکه تحولات کنونی را نباید صرفاً در چارچوب یک درگیری نظامی محدود تحلیل کرد، تاکید کرد که رقابت قدرت‌های بزرگ برای شکل‌دهی به نظم آینده جهان بر موقعیت و انتخاب‌های سیاست خارجی ایران تأثیر مستقیم گذاشته است. ازاین‌رو، بازتعریف ابزارهای دیپلماسی، امنیت و بازدارندگی باید متناسب با شرایط جدید دنبال شود.

اهداف راهبردی جنگ محقق نشد

خطیب‌زاده در بخش دیگری از سخنان خود به ارزیابی نتایج جنگ اخیر پرداخت و تأکید کرد که برای داوری درباره موفقیت یا شکست در یک جنگ، باید میان خسارت‌های واردشده و میزان تحقق اهداف راهبردی طرف‌های درگیر تمایز قائل شد. وی با اشاره به شهادت مقام‌های ارشد، فرماندهان نظامی و آسیب‌دیدن زیرساخت‌های کشور تصریح کرد که نمی‌توان خسارت‌های انسانی و مادی جنگ را نادیده گرفت. بااین‌حال، به اعتقاد او، ارزیابی نهایی باید بر مبنای اهدافی صورت گیرد که طرف مقابل در آغاز درگیری دنبال می‌کرد.

رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تغییر ساختار سیاسی ایران، تضعیف تمامیت ارضی، ایجاد شکاف در وحدت سرزمینی و از میان بردن توان دفاعی و بازدارندگی کشور را از جمله اهداف طرف مقابل برشمرد و تأکید کرد که این اهداف، به‌رغم خسارت‌های سنگین جنگ، محقق نشده‌اند. وی همچنین با اشاره به برخی اسناد راهبردی و جریان‌های فکری مؤثر در سیاست خارجی آمریکا، تقابل با ایران را بخشی از یک رویکرد بلندمدت ارزیابی کرد که به اعتقاد او، هدف آن محدودسازی مؤلفه‌های قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران بوده است.

خطیب‌زاده در همین زمینه بر ضرورت تثبیت نتایج راهبردی جنگ در مرحله پس از درگیری تأکید کرد و هشدار داد که دستاوردهای حاصل‌شده در میدان، بدون پیگیری سیاسی و دیپلماتیک، لزوماً به نتایج پایدار تبدیل نخواهند شد.

بازدارندگی نیازمند بازتعریف است

یکی دیگر از محورهای سخنان معاون وزیر امور خارجه، ضرورت بازنگری در مفهوم بازدارندگی و سازوکارهای امنیتی منطقه بود. خطیب‌زاده با طرح این پرسش که الگوهای بازدارندگی آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی خلیج فارس تا چه اندازه توانسته‌اند اهداف موردنظر خود را محقق کنند، اظهار کرد که بازدارندگی مفهومی ثابت و تغییرناپذیر نیست و باید متناسب با تحولات نظامی، فناوری و محیط امنیتی بازتعریف شود.

وی موقعیت جغرافیایی ایران، به‌ویژه جایگاه راهبردی تنگه هرمز را یکی از مؤلفه‌های ساختاری قدرت کشور دانست و تأکید کرد که ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی در شرایط منازعه می‌توانند بخشی از معادلات دفاع ملی را شکل دهند. به اعتقاد او، تحولات جنگ اخیر نشان داده که ترتیبات امنیتی خلیج فارس و جایگاه تنگه هرمز را نمی‌توان مستقل از واقعیت‌های جدید منطقه بررسی کرد. بر همین اساس، هرگونه مذاکره درباره آینده امنیت منطقه باید تغییرات ایجادشده در موازنه قدرت و سازوکارهای بازدارندگی را در نظر بگیرد.

روابط با همسایگان عرب نیازمند بازنگری است

خطیب‌زاده در بررسی مناسبات ایران با کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس نیز بر ضرورت بازنگری در برخی مفروضات پیشین سیاست خارجی تأکید کرد. وی با اشاره به استفاده از پایگاه‌های نظامی مستقر در برخی کشورهای منطقه در جریان حملات علیه ایران، اظهار کرد که چنین تحولاتی نمی‌تواند بر سطح اعتماد متقابل و آینده روابط تهران با همسایگان بی‌تأثیر باشد. به گفته او، ایران همچنان به ضرورت همزیستی و همکاری منطقه‌ای اعتقاد دارد، اما تحقق امنیت پایدار مستلزم توجه متقابل کشورها به نگرانی‌های امنیتی یکدیگر است. معاون وزیر امور خارجه تأکید کرد که نمی‌توان از یک‌سو خواهان روابط باثبات و همکاری منطقه‌ای بود و از سوی دیگر، نسبت به استفاده احتمالی از قلمرو و زیرساخت‌های نظامی کشورهای منطقه علیه همسایگان بی‌تفاوت ماند. از نگاه وی، بازتعریف مناسبات منطقه‌ای باید بر پایه واقعیت‌های جدید امنیتی، احترام به حاکمیت کشورها و جلوگیری از تبدیل خاک کشورهای همسایه به بستری برای تشدید منازعات صورت گیرد.

روابط با چین و روسیه باید واقع‌بینانه باشد

بخش دیگری از این نشست به جایگاه چین و روسیه در سیاست خارجی ایران اختصاص یافت. خطیب‌زاده با اشاره به تجربه مذاکرات هسته‌ای و تحولات پس از آغاز جنگ اوکراین، بر ضرورت حفظ استقلال تصمیم‌گیری ایران در مناسبات با قدرت‌های بزرگ تأکید کرد.

معاون وزیر خارجه با یادآوری سفر هیئت ایرانی به مسکو در هفته‌های نخست جنگ اوکراین توضیح داد که تهران در آن مقطع تلاش کرد میان نگرانی‌های امنیتی روسیه و توسل به جنگ برای حل اختلافات تمایز قائل شود. به گفته او، ایران ضمن توجه به برخی ملاحظات امنیتی مسکو، راه‌حل نظامی را مسیر مناسبی برای پایان بحران ندانسته و بر ضرورت توقف درگیری‌ها تأکید کرده است.

رئیس مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه همچنین هشدار داد که مناسبات ایران با چین و روسیه نباید بر پایه برداشت‌های ساده‌انگارانه از مفهوم اتحاد راهبردی تحلیل شود.

وی با اشاره به سابقه تاریخی رفتار قدرت‌های بزرگ تأکید کرد که هر کشوری براساس اولویت‌ها و منافع ملی خود تصمیم می‌گیرد و نمی‌توان انتظار داشت مواضع تمامی شرکای بین‌المللی در شرایط بحرانی با انتظارات تهران یکسان باشد.

ازاین‌رو، به اعتقاد خطیب‌زاده، توسعه همکاری با قدرت‌های شرقی باید با شناخت دقیق ظرفیت‌ها، محدودیت‌ها و منافع متقابل و بدون خدشه به استقلال سیاست خارجی کشور دنبال شود.

احتمال جنگ مجدد به چه عواملی بستگی دارد؟

در بخش پرسش‌وپاسخ نشست، احتمال تکرار درگیری نظامی میان ایران و آمریکا مورد توجه قرار گرفت.

خطیب‌زاده در پاسخ به این پرسش تأکید کرد که نمی‌توان درباره وقوع یا عدم وقوع جنگ مجدد با قطعیت سخن گفت؛ زیرا تصمیم‌گیری در آمریکا تحت تأثیر جریان‌های سیاسی و امنیتی متفاوتی قرار دارد.

وی در تشریح ساختار تصمیم‌گیری واشنگتن، سه جریان اصلی را از یکدیگر تفکیک کرد. به گفته او، جریان نخست شامل نیروهای نزدیک به اسرائیل و نومحافظه‌کاران است که عموماً از سیاست‌های تقابلی و افزایش فشار علیه ایران حمایت می‌کنند. جریان دوم را واقع‌گرایان و بخشی از نیروهای موسوم به ماگا تشکیل می‌دهند که در اولویت‌بندی منافع آمریکا، الزاماً از ورود به جنگ‌های گسترده حمایت نمی‌کنند.

خطیب‌زاده جریان سوم را نزدیکان شخص دونالد ترامپ دانست که به اعتقاد او، بیش از هر چیز بر دستاوردهای سیاسی کوتاه‌مدت، نمایش موفقیت و جایگاه رئیس‌جمهوری آمریکا در تاریخ تمرکز دارند.

وی توضیح داد که میزان نزدیکی یا اختلاف این جریان‌ها می‌تواند بر تصمیم واشنگتن درباره تشدید تنش یا حرکت به‌سوی راهکارهای دیپلماتیک تأثیر بگذارد. بااین‌حال، خطیب‌زاده تأکید کرد که ایران نیز بازیگری فعال در این معادلات است و باید هم‌زمان با تلاش برای جلوگیری از جنگ، آمادگی لازم برای مواجهه با سناریوهای مختلف را حفظ کند.

دیپلماسی فقط امضای توافق نیست

معاون وزیر امور خارجه در پاسخ به پرسش دیگری درباره نقش مذاکرات در جلوگیری از تکرار جنگ، تأکید کرد که کارکرد دیپلماسی را نباید صرفاً به امضای توافق محدود کرد. وی توضیح داد که مذاکرات می‌توانند برای مدیریت بحران، روشن‌کردن مواضع طرف‌ها، فراهم‌کردن فرصت تصمیم‌گیری و ایجاد زمینه پایان درگیری نیز مورد استفاده قرار گیرند.

خطیب‌زاده با اشاره به تحولات پس از توافق اسلام‌آباد مدعی شد که طرف آمریکایی از روزهای نخست در اجرای برخی تعهدات و ترتیبات مورد توافق اختلال ایجاد کرده است.

وی اختلافات مربوط به تردد کشتی‌ها در تنگه هرمز را فراتر از یک مسئله اجرایی دانست و تأکید کرد که موضوع اصلی، نحوه مدیریت ترتیبات امنیتی و اقتصادی منطقه در شرایط پس از جنگ است.

به اعتقاد او، مذاکرات آینده باید واقعیت‌های ایجادشده در میدان را در نظر بگیرند و به تثبیت نتایج راهبردی و جلوگیری از بازگشت بحران کمک کنند.

جنگ؛ آزمونی برای ساختار حکمرانی

خطیب‌زاده در ادامه با اشاره به مفهوم «تجمیع راهبردی» در ادبیات روابط بین‌الملل، جنگ اخیر را عاملی برای بازنگری بنیادین در محاسبات امنیتی و سیاسی ایران توصیف کرد. وی اظهار کرد که این جنگ علاوه بر توان نظامی، ظرفیت ساختار سیاسی، دستگاه اجرایی، جامعه و نهادهای دیپلماتیک کشور را نیز در شرایط بحرانی به آزمون گذاشت.

به گفته او، تداوم فعالیت دولت، نیروهای مسلح و دستگاه دیپلماسی در جریان درگیری، برخی پیش‌فرض‌ها درباره فروپاشی سریع ساختارهای حکمرانی و ناتوانی کشور در مدیریت بحران را با چالش مواجه کرد.

خطیب‌زاده همچنین به فعالیت وزارت امور خارجه در طول جنگ، ارتباط با دولت‌های مختلف و پیگیری موضوع در سازمان ملل متحد اشاره کرد و این اقدامات را بخشی از تلاش برای مدیریت پیامدهای سیاسی و بین‌المللی درگیری دانست. وی در عین حال تأکید کرد که تجربه جنگ باید به اصلاح سیاست‌گذاری، تقویت توان حکمرانی و کاهش شکاف‌های فناورانه منجر شود؛ زیرا حفظ توان بازدارندگی در آینده مستلزم ارتقای مستمر ظرفیت‌های داخلی است.

ضرورت تقویت روایت بین‌المللی ایران

بخش دیگری از سخنان خطیب‌زاده به نقش اسرائیل و اهمیت شناخت ساختارهای تصمیم‌گیری آمریکا اختصاص داشت.

وی با تأکید بر نقش مستقل اسرائیل در تحولات منطقه، این نقش را در چارچوب حمایت‌های راهبردی ایالات متحده تحلیل کرد و خواستار گسترش مطالعات تخصصی درباره جریان‌های سیاسی و امنیتی مؤثر بر تصمیمات دو طرف شد.

معاون وزیر امور خارجه همچنین به ضعف توازن رسانه‌ای در بازتاب مواضع ایران اشاره کرد و تقویت ظرفیت روایت‌سازی و ارتباطات بین‌المللی را از ضرورت‌های سیاست خارجی کشور دانست.

به اعتقاد او، موفقیت در این حوزه صرفاً به ابزارهای رسانه‌ای وابسته نیست، بلکه نیازمند انسجام داخلی و فراهم‌شدن زمینه شکل‌گیری روایتی مشترک در سطح ملی است.

میانجی‌گری بدون اهرم فشار کافی نیست

در ادامه نشست، کیهان برزگر با طرح پرسش‌هایی درباره نقش پاکستان، عمان و قطر در میانجی‌گری و همچنین آینده نظم امنیتی خاورمیانه، بحث را به ابعاد منطقه‌ای بحران گسترش داد.

خطیب‌زاده در پاسخ، میان نقش میانجی و تسهیل‌گر تمایز قائل شد و تأکید کرد که صرف اعلام آمادگی یک کشور برای میانجی‌گری به معنای برخورداری از توان واقعی برای حل اختلافات نیست. وی توضیح داد که ارزیابی عملکرد کشورهای میانجی باید بر اساس میزان نفوذ، ظرفیت اثرگذاری و اهرم‌های فشار آنها بر طرف‌های درگیر صورت گیرد. از این منظر، کشورهایی مانند عمان، قطر و پاکستان ممکن است نقش‌های متفاوتی در تسهیل ارتباطات، انتقال پیام‌ها یا پیشبرد مذاکرات ایفا کنند و نمی‌توان ظرفیت آنان را یکسان ارزیابی کرد.

رقابت بر سر نظم امنیتی آینده خاورمیانه

در بخش پایانی نشست، خطیب‌زاده به رقابت الگوهای مختلف برای شکل‌دهی به نظم امنیتی آینده خاورمیانه پرداخت. وی اظهار کرد که اسرائیل به دنبال گسترش عمق راهبردی و حفظ برتری فناورانه خود است و آمریکا نیز می‌کوشد جایگاهش را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی تأمین امنیت منطقه حفظ کند.

در مقابل، کشورهایی مانند ترکیه و پاکستان و برخی دولت‌های عربی نیز تلاش دارند نقش بیشتری در ترتیبات امنیتی آینده ایفا کنند.

خطیب‌زاده در برابر این الگوها بر ضرورت ارائه طرحی فراگیر برای امنیت منطقه تأکید کرد؛ طرحی که به‌جای اتکای یک‌جانبه به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، بر مشارکت کشورهای منطقه و به‌رسمیت‌شناختن نگرانی‌های امنیتی متقابل استوار باشد.

وی تأکید کرد که سیاست خارجی ایران در دوران پساجنگ باید با شناخت دقیق تحولات ساختاری نظام بین‌الملل، حفظ استقلال تصمیم‌گیری، تقویت بازدارندگی و استفاده مؤثر از ظرفیت‌های دیپلماتیک دنبال شود. از نگاه او، جلوگیری از تکرار جنگ و ایجاد ثبات پایدار، مستلزم پیوند میان توان دفاعی، واقع‌بینی راهبردی و ابتکار عمل سیاسی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی است.

اخبار

دلیل بر هم خوردن توافق هسته‌ای ترامپ با بن‌سلمان

حملات نیروهای مسلح یمن به زیرساخت‌های عربستان، تنها چند هفته قبل از رأی‌گیری سنای آمریکا درباره توافق هسته‌ای با ریاض، نگرانی‌هایی را در خصوص توافق انرژی هسته‌ای ایالات متحده و عربستان به وجود آورده است.

نیروهای مسلح یمن حملات پهپادی و موشکی خود را به فرودگاه‌ها، تأسیسات نفتی و ساختمان‌های اداری عربستان سعودی تشدید کرده‌اند و سوالاتی را از بابت توانایی ریاض در تأمین امنیت نیروگاه‌های هسته‌ای که قرار است تحت این توافق ساخته شوند، مطرح کرده‌اند.

به گزارش رویترز، جمهوری‌خواهان و دموکرات‌های سنای آمریکا اعلام کردند که این مجلس در اوایل هفته ۳۰ نوامبر درباره قطعنامه‌ای رأی‌گیری خواهد کرد که این پیشنهاد را که به «توافق ۱۲۳» معروف است، رد می‌کند.

ترامپ این توافق را در ماه اوت پس از غافلگیر کردن اعضای کنگره در ماه ژوئیه با اعلام آن، به کنگره ارائه کرد.

نگرانی قانونگذاران آمریکایی در حالی افزایش یافته است که توافق مذکور به این موضوع نمی‌پردازد که آیا عربستان سعودی به توافق ابراهیم برای سازش با رژیم صهیونیستی ملحق خواهد شد یا خیر. همچنین این توافق، پیشنهادی شامل اقدامات سختگیرانه مانند بازرسی‌های سرزده از نیروگاه‌های هسته‌ای ریاض ندارد.

نیروهای یمنی روز جمعه تهدیدات خود را تشدید کردند و گفتند که به بنادر عربستان سعودی در دریای سرخ حمله خواهند کرد و به همه کسانی که در مناطق اطراف هستند هشدار دادند که از آن دور بمانند.

هنری سوکولسکی، مدیر اجرایی مرکز آموزش منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، و شارون اسکواسونی، استاد پژوهشی دانشگاه جورج واشنگتن، در نشریه «نشنال اینترست» نوشتند که ایالات متحده باید خواستار پادمان شود.

آنها افزودند: «ارائه کیت ساخت بمب در عربستان، اما در نهایت رسیدن آن به دست یمنی‌ها یا هر گروه «متخاصم» دیگری، آخرین کاری است که واشنگتن می‌خواهد انجام دهد.»

طبق این توافق، عربستان قادر خواهد بود اورانیوم را غنی‌سازی کند و با استفاده از فناوری آمریکایی، رآکتورهای هسته‌ای بسازد. این توافق شامل پروتکل الحاقی نمی‌شود که به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل (IAEA) قدرت مداخله می‌دهد، از جمله بازرسی‌های ناگهانی که واشنگتن قبلاً از ایران درخواست کرده بود.

برخی از قانونگذاران دموکرات و طرفداران منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، این توافق را به دلیل ممانعت نکردن از غنی‌سازی اورانیوم یا بازفرآوری زباله‌های هسته‌ای توسط عربستان سعودی، که هر دو مسیر بالقوه برای توسعه سلاح هسته‌ای هستند، مورد انتقاد قرار دادند.

برد شرمن، نماینده دموکرات از کالیفرنیا و عضو کمیته امور خارجی مجلس نمایندگان آمریکا گفت که «اولین قدم» به سوی توسعه سلاح هسته‌ای، شروع یک برنامه هسته‌ای غیرنظامی بدون پادمان‌های قوی است.

شرمن در روزنامه واشنگتن پست نوشت: «این دقیقاً همان کاری است که دولت ترامپ به محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی اجازه می‌دهد انجام دهد.»

ترامپ این توافق را در اواخر ماه ژوئیه با دولت عربستان امضا کرد و به شرکت‌های آمریکایی اجازه داد تا زیرساخت‌های انرژی هسته‌ای این پادشاهی را به مدت ۳۰ سال توسعه دهند. این توافق برای اجرا نیازی به تأیید کنگره ندارد، اما تا پس از یک دوره ۹۰ روزه که طی آن قانونگذاران می‌توانند درباره توافق بحث و احتمالاً آن را مسدود کنند، به قانون تبدیل نخواهد شد.



پشت‌پرده حضور نظامیان فرانسه در اوکراین



مرتضی مکی، کارشناس مسائل اروپا طی یادداشتی برای ایلنا به تشریح ابعاد افشای حضور نظامیان فرانسه در اوکراین پرداخت که به شرح زیر از نظر میگذرد:

تحولات میدانی و سیاسی در اوکراین از چند جهت قابل بررسی است. از یک‌سو، شکاف‌های موجود میان آمریکا و اروپا بیش از گذشته نمایان شده و دشواری‌های اروپا در پیشبرد تدابیر و سیاست‌های خود در مواجهه با روسیه را آشکارتر می‌کند و از سوی دیگر، به نظر می‌رسد اروپایی‌ها دیگر نمی‌خواهند مانند گذشته به جنگ نیابتی در اوکراین علیه روسیه ادامه دهند. آن‌ها همچنین تلاش می‌کنند مرزبندی‌های خود را با آمریکایی‌ها شفاف‌تر کنند.

اروپایی‌ها علاوه بر کمک‌های مالی و نظامی به اوکراین، مواضع سخت‌تر و جدی‌تری نیز در قبال روسیه اتخاذ کرده‌اند. یکی از مصادیق این رویکرد، موضوع حضور نظامیان فرانسوی در اوکراین است که به یکی از محورهای جدید اختلاف میان روسیه و فرانسه تبدیل شده است.

باید توجه داشت که فرانسه و آلمان عملاً تعیین‌کنندگان اصلی سیاست خارجی و امنیتی اتحادیه اروپا هستند. تا پیش از خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، این کشور نیز نقش مهمی در شکل‌دهی به رویکردهای امنیتی اتحادیه داشت؛ اما پس از خروج انگلیس، فرانسه و آلمان عملاً به دو محور اصلی اتحادیه اروپا در تعیین سیاست‌های کلان امنیتی و خارجی تبدیل شده‌اند.

البته در داخل اتحادیه اروپا نیز رویکردهای متفاوتی وجود دارد، اما در حال حاضر فرانسه و آلمان دو کشوری هستند که نقش محوری در این زمینه ایفا می‌کنند. این دو کشور از تأمین‌کنندگان اصلی کمک‌های مالی و نظامی به اوکراین و همچنین از حامیان اصلی این کشور در اتحادیه اروپا برای جذب کمک‌های مالی به دولت اوکراین بوده‌اند. این مسئله باعث می‌شود که فرانسه عملاً به‌صورت مستقیم در برابر روسیه قرار بگیرد و طرفین تلاش کنند مواضع خود را در قبال تحولات اوکراین صریح‌تر بیان کنند. در عین حال، هر دو طرف می‌کوشند از تبدیل این مواضع به برخورد مستقیم نظامی با روسیه جلوگیری کنند. به همین دلیل، شاهد مواضع متفاوتی از سوی وزیر خارجه فرانسه درباره این موضوع بودیم. حتی پس از تأیید حضور نظامیان فرانسوی در اوکراین نیز اعلام شد که این نظامیان در سطح آموزشی فعالیت می‌کردند و در خط مقدم، در برابر نیروهای روسیه، حضور نداشتند.

این مسئله نشان می‌دهد که اروپایی‌ها همچنان می‌خواهند مدیریت جنگ اوکراین را در دست داشته باشند، بدون آنکه ناچار شوند هزینه‌های ناشی از برخورد نظامی مستقیم با روسیه را بپردازند.

در کنار این مواضع، باید به نشست سران آلمان و همچنین نشست سران آمریکا، چین و روسیه در پکن نیز اشاره کرد. اروپایی‌ها به‌شدت نگران بودند که در غیاب آن‌ها، تفاهم‌ها و ترتیبات جدیدی شکل بگیرد که در نهایت منافع اتحادیه اروپا در اوکراین را نادیده بگیرد.

واقعیت این است که در بحران اوکراین، آمریکا تنها بازیگر اصلی نیست که بتواند بدون در نظر گرفتن مواضع دولت اوکراین و کشورهای اروپایی، درباره چگونگی پایان جنگ با روسیه و پوتین به توافق برسد. اگر با شرایط دو سال گذشته مواجه بودیم، شاید آمریکا می‌توانست چنین اقدامی انجام دهد؛ اما اکنون بازیگران متعددی در تحولات اوکراین نقش‌آفرینی می‌کنند و آمریکا بدون جلب نظر، حمایت و همراهی این کشورها نمی‌تواند به جنگ اوکراین پایان دهد.

بنابراین، با توجه به شرایط موجود و تحولات سیاسی، از جمله نتایج انتخابات، به نظر می‌رسد آمریکا تا حدودی ناگزیر باشد در مواجهه با روسیه، همراهی با دولت‌های اروپایی را ادامه دهد.